

عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس

Effective Factors on the Relationship among Iran and the Persian Gulf States

Yousef Zeinolabedin¹, Zahra Shirzad² & Nasybe Jokar³

Accepted: 8/Mar/2011 Received: 5/May/2010

یوسف زین العابدین^۱، زهرا شیرزاد^۲ و نسبیه جوکار^۳

پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷

دریافت: ۱۳۸۹/۲/۱۵

Abstract:

Although Persian Gulf states are all located on the same continental shelf and share different points of view, they cannot enjoy a pattern of confidence building in this regard. Therefore, present paper- using descriptive-analytical method- tries to explain the effective factors in the relationship between Iran and Persian Gulf states. It seems that the Persian Gulf states have some disputes that never have been solved and yet exist. Presence of trans-regional powers specially United States has intensified mentioned disputes. Iran and Persian Gulf states, therefore, have their own different strategies and sometimes, these strategies have made paradoxes among Iran and the Persian Gulf states.

Key words: Geopolitics, Confidence Building, Strategy, Maritime Boundary, Trans-Regional Powers, Islamic Republic of Iran, Persian Gulf.

چکیده:

گرچه کشورهای حوزه خلیج فارس بر روی یک فلات قاره واقع شده اند و از جنبه های متعددی دارای اشتراک هستند؛ اما، هرگز نتوانسته اند در این حوزه از یک الگوی اعتمادسازی برخوردار شوند. لذا، در مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی سعی بر آن است که به عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس پرداخته شود. به نظر می رسد که کشورهای حوزه خلیج فارس دارای اختلاف هایی هستند که هرگز این اختلاف ها حل نشده و به صورت آتش زیر خاکستر مانده است. با حضور قدرت های فرامنطقه ای به خصوص ایالات متحده آمریکا در حوزه خلیج فارس اختلافات مذکور تشدید شده است بنابراین، استراتژی ایران و کشورهای این حوزه در خلیج فارس متفاوت بوده و بعضی از این استراتژی ها موجب تضاد میان ایران و کشورهای خلیج فارس شده است.

کلید واژگان: ژئوپولیتیک، اعتمادسازی، استراتژی، مرز دریایی، قدرت-

های فرامنطقه ای، جمهوری اسلامی ایران، خلیج فارس.

1. Associate Professor of Islamic Azad University, Rasht . Email: zeinolabedin@iaurasht.ac.ir

2. Ph.D student in Geography of Islamic Azad University. Email: y.zeinolabedin@gmail.com

3. Teacher of PayameNoor University Email: No.jokar@gmail.com

۱. دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت (نویسنده مسئول)

zeinolabedin@iaurasht.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری رشته جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی

y.zeinolabedin@gmail.com

۳. مدرس دانشگاه پیام نور. No.jokar@gmail.com

مقدمه

پایان یافتن قرون وسطی در اروپا و متعاقب آن شروع دوره رنسانس و آگاهی یافتن اروپایی‌ها از منابع ثروت‌های خاورمیانه، انگیزه تسلط آنان بر خلیج فارس و ایران را بیشتر نمود. پرتغالی‌ها در سال ۱۴۹۷م، هلندی‌ها در سال ۱۶۰۷م، فرانسویان در دهه ششم قرن هفده، انگلیسی‌ها در قرون ۱۹ و ۲۰ و آمریکایی‌ها از سال ۱۹۷۱ به بعد با تمام توان و قوای خود سعی در کنترل این منطقه داشته‌اند (صفوی‌پور، ۱۳۸۶: ۵۶). اهمیت راهبردی این منطقه به‌ویژه از دیدگاه ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک همواره آن را در کانون هم‌آوردی‌های سرد و گرم قرار داده است. جنگ ایران و عراق و جنگ خلیج فارس از جمله نبردهای گرم در سال‌های نه‌چندان دور به شمار می‌آیند. اما شاید بتوان نبرد برای نام خلیج فارس را که از سوی امیرنشین‌های حاشیه خلیج فارس آغاز شده و تاکنون ادامه دارد از مصادیق جنگ سرد برای پیروگی بر این حوزه حساس به‌شمار آورد (ستوده و دیدگاه، ۱۳۸۸: ۴). بنابراین، مطالعه ژئوپولیتیک حوزه خلیج فارس نشان می‌دهد که اهمیت خلیج فارس در طول تاریخ به طور روزافزون، افزایش یافته است، به‌طوری‌که، اهمیت اقتصادی و ترانزیتی آن قدمت بسیار طولانی دارد و جایگاه ژئواستراتژیکی و ژئوپولیتیک آن در دوره جنگ سرد برای کشورهای قدرتمند جهانی از اهمیت خارق‌العاده‌ای برخوردار بود. اکنون نیز در عصر ژئواکونومی، وجود ذخایر عظیم نفت و گاز، خلیج فارس را در علایق ژئوپولیتیک کشورهای این حوزه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای به منطقه‌ای استراتژیکی تبدیل کرده است. صرف‌نظر از عوامل تاریخی، برخی عوامل جدید نیز که ناشی از رقابت‌های ژئوپولیتیک و یا ناشی از مبهم گذاشتن حدود و ثغور مرزی توسط استعمارگران سابق که با اهداف درازمدت انجام گرفته، وجود دارند (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۸). در این مقاله سعی خواهد شد عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس که از گذشته وجود داشته و اکنون با حضور ایالات متحده آمریکا در این حوزه تقویت و تشدید شده است پرداخته شود.

مبانی نظری

کشورهای حوزه خلیج فارس به سه دلیل اساسی با همدیگر منازعه دارند که در نتیجه این منازعات، اطمینان‌سازی در بین آنها به حداقل رسیده است. با توجه به وضعیت خاص منطقه سه عامل فوق عبارتند از: عوامل سنتی؛ عوامل ساختاری و عوامل سنتی - ساختاری که در ذیل به توضیح هر یک از آنها پرداخته می‌شود.

عوامل سنتی

موقعیت فرهنگی و ارتباطی خلیج فارس، این منطقه را به محل تلاقی نیروهای معارض پیشینی و ساختاری تبدیل کرده است. برخورد دو نژاد بزرگ آریایی و سامی، همراه با قومیت‌های گوناگون آن، در کنار چهار فرقه عمده مذهبی: خوارج اباضی، سنی، شیعه و وهابی در دین اسلام، عامل پیدایش و تقویت ایدئولوژی‌های متعارض بنیادگرا و ناسیونالیست قومی در منطقه شده است.

از لحاظ نژادی و قومی، رقابت مخرب بین دو گرایش ملی‌گرایانه عربی و ایرانی اختلاف شدیدی در منطقه ایجاد کرده است. نام قدیمی خلیج فارس خود مستمسکی در روابط بین کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس با ایران بوده است (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۴) و موجب واگرایی کشورهای حوزه خلیج فارس شده است که در ذیل به سه نمونه بارز عوامل سنتی تأثیرگذار بر علایق آمریکائی‌ها در بررسی سیستم امنیتی حوزه ژئوپولیتیک خلیج فارس اصطلاح ۲+۶ را مطرح ساختند؛ و یا اقدام غیرمنتظره چاپ هشتم اطلس پرطرفدار *National Geographic* ژئوگرافیک^۲ آمریکائی با نام مجعول خلیج عربی به جای خلیج فارس، که تا قبل از آن بارها از نام صحیح خلیج فارس استفاده کرده است؛ از جمله اقداماتی است که اختلافات سنتی موجود در خلیج فارس را تشدید می‌کند.

۱. کشورهای عربستان، کویت، قطر، امارات متحده عربی، بحرین و عمان - به‌علاوه دو کشور سوریه و مصر، که در این سیستم ایران و عراق - دو کشور

واگرایی فرقه‌ای

همه دعواهای تاریخ فرقه‌های اسلامی و ریشه اصلی اختلافات شیعه و سنی در طول تاریخ صرف نظر از تحریکات استعماری و دخالت‌های سیاسی بیگانگان، ناشی از رفتارهای متعصبانه پیروان عوام و خفتگان بدمرام این فرقه‌هاست (زم، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

ترسیم جغرافیای مذهبی خلیج فارس بسیار ساده است. در شمال و بخشی از شمال غربی آن شیعیان حاکم هستند. در بقیه نقاط، اهل تسنن با گرایش‌های مختلف زندگی می‌کنند (مقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۹). در دامان این بخش از جامعه اسلامی دو فرقه نسبتاً فعال از اقلیت یعنی وهابیون (مسجد جمعی، ۱۳۸۰: ۱۰) و خوارج اباضیه پرورش یافته‌اند. آموزه‌های سیاسی - مذهبی تشیع بیش از سایر فرقه‌های مذهبی اسلامی، تعالیم وهابیت را به چالش می‌کشد. براین اساس، وهابیت از عربستان شروع شده، بیشترین فشارها را بر شیعیان این کشور وارد آورده و باعث محرومیت و آزار و اذیت آنها شده است (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷: ۲۱۳). طی دو قرن گذشته، اختلاف بین دو گروه شیعه و وهابی، گشتاور تخصص‌زایی را پیدا کرده است. این تخصص‌زایی اختلافات دیرین بین دو فرقه اصلی شیعی و سنی، اکنون، در عراق به اوج خود رسیده و گستره این اختلافات از سطح منطقه گذشته و در شکل سپاه صحابه، به حوزه پاکستان و آسیای مرکزی و قفقاز نیز کشیده شده است.

استراتژی متفاوت

در حال حاضر، بی‌اعتمادی میان کشورهای منطقه حاکم است. این بی‌اعتمادی موجب گردیده که زمینه هرگونه همکاری دوجانبه و چندجانبه میان واحدهای سیاسی منطقه از بین برود و برخی از کشورهای منطقه را جهت کسب اهداف امنیتی خود متوجه قدرت‌های فرامنطقه‌ای نماید. شرایط فعلی بدون تردید اثرات نامطلوبی را بر منافع ملی و استراتژی ژئوپلیتیکی (کد ژئوپلیتیکی) کشورها داشته است. ناهمگونی ساختارهای سیاسی کشورهای منطقه، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای و وابستگی امنیتی برخی از کشورهای منطقه به خارج، از عوامل بی‌اعتمادی است.

افزون بر عوامل یادشده، کشورهای منطقه خلیج فارس از لحاظ ساختاری با مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز روبرو هستند که این عوامل موجب بروز استراتژی‌های متفاوت در میان آنها شده است. به‌طوریکه نفوذ عربستان سعودی در منطقه بسیار مهم است. روابط کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با عربستان ترکیبی از دوستی و نفرت، احترام و خشم و استقلال و توافق بوده است. عربستان سعودی در تعیین و هدایت سیاست خارجی کشورهای کوچک خلیج فارس تأثیر زیادی داشته است. از طرف دیگر، مناسبات شش کشور حوزه خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و عراق نیز براساس منافع ملی و تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ، متفاوت است (ابراهیمی فر، ۱۳۸۱: ۲۲).

ساختار سیاسی نامتجانس

در ضلع شمالی منطقه خلیج فارس جمهوری اسلامی؛ در ضلع غربی نظام بعثی سوسیال ناسیونالیست (زمان حزب بعث) و اکنون رژیم شیعی؛ و در ضلع جنوبی منطقه سیستم‌های پادشاهی حاکم هستند که این تمایزات باعث تفاوت در تعریف منافع ملی می‌شود. علاوه براین، بسیاری از این کشورها بحران مشروعیت دارند. زیرا به رغم تغییر در ساختار اجتماعی - اقتصادی، ساختار سیاسی هنوز چندان متحول نشده است و حتی این رژیم‌ها دارای اصول اولیه دموکراسی یعنی انتخابات نیستند و مبتنی بر دولت رانتیر هستند. در مدل

اختلافات ساختاری

علاوه بر عوامل فرهنگی، که به‌طور سنتی در حوزه خلیج فارس وجود داشته‌اند، عوامل ساختاری نیز پس از تکوین در منطقه به‌طور روزافزونی شدت یافته‌اند؛ از جمله استراتژی متفاوت، ساختار سیاسی نامتجانس و مناقشات ارضی و مرزی عوامل ساختاری هستند که واگرایی را در میان کشورهای حوزه خلیج فارس تشدید می‌کنند. در ذیل به توضیح هر یک از آنها پرداخته می‌شود:

“عراق ناشی از دیوانگی‌های چرچیل^۵ است و اگر بعضی دیوانگی‌ها پایدار بماند، تبدیل به واقعیت می‌شود. عراق ساخته مصنوعی انگلیسی‌هاست که برای تسلط بر دو میدان نفتی بصره و کرکوک قرار بر این شد که مردم این سرزمین را (شامل اعراب، ایرانیان و کردها) بر گرد پایتخت فراموش شده جمع نمایند” (دژاردن، ۲۰۱۳:۵۵).

مشکلات مرزی، نوعی اختلاف مرزی است که تمامی کشورهای منطقه خلیج فارس کم و بیش از وجود آن رنج می‌برند. بدیهی است هر آینه این اختلافات به صورت قطعی حل و فصل نشوند، احتمال دارد ثبات و امنیت منطقه را به مخاطره اندازد و سرانجام منطقه را به سمت کشمکش‌های خونین سوق دهد. این مشکلات در برخی اوقات مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد و بهانه‌ای برای دخالت بیگانگان در امور منطقه، تحت‌عنوان حمایت از منافع، حمایت از کشورهای دوست و برقراری استقلال و امنیت و غیره می‌دهد. کاملاً واضح است که نحوه میانجی‌گری به سبک قدیم منسوخ شده و شعارهایی نظیر برادری و اخوت یا دوستی و محبت، چیزی یا مشکلی را حل نمی‌کند. همان‌طور که شاهد تهدیدات قطر در مورد نزاعش با عربستان سعودی در سال ۱۹۹۲ پیرامون منطقه الخفوس^۶ و نیز تحریم شورای وزیران شورای همکاری خلیج فارس بودیم. در تحولی دیگر، بحرین حضور در اجلاس وزرای شورای همکاری را به‌خاطر اختلافش با قطر در مورد جزیره حوار^۷ تحریم کرد و از قطر خواست تا از طرح قضیه در دیوان‌عالی بین‌المللی صرف‌نظر کند.

این اختلافات، نمونه‌ای از ده‌ها اختلاف مرزی در منطقه خلیج فارس به شمار می‌آید. پدیده اختلاف در اوایل قرن بیستم، دقیقاً هنگامی که بریتانیا در سال ۱۹۱۳ قرارداد تعیین مرزهای تابع خود در شرق جزیر العرب با عثمانی را به امضا رساند، به وقوع پیوست (مراد، ۱۳۷۶:۴۲۲). بنابراین، ریشه

دولت رانتیر، مردم معتقدند که دولت مشروعیت خود را از طریق توزیع مجدد درآمدهای نفت، تسهیلات رفاهی، سوبسیدهای متعدد، اعانه‌ها و تطمیع^۱ به دست می‌آورد. هم ثبات و هم مشروعیت تا زمانی پایدار است که دولت به منبع لایزال ثروت متصل باشد و نیازی به مالیات شهروندان احساس نکند. تا وقتی که دولت ثروت را بین مردم توزیع می‌کند از امنیت نسبی برخوردار است و تنها تهدیدی که متوجه دولت است این است که ناگهان درآمدهای نفتی کاهش یابد، در چنین حالتی دولت به عنوان توزیع‌کننده عمده ثروت در جامعه با بحران مواجه می‌شود. (Crystal, 1996: 237).

از این‌رو بنابه دلایل زیر دولت‌های عربی حوزه خلیج فارس از نظر ساختار سیاسی قوی نیستند:

۱. عدم برخورداری از قدرت زیربنایی^۲ که دولت را از طریق ساز و کاری مانند مالیات موفق به نفوذ در بدنه جامعه نماید.

فقدان یک تفوق ایدئولوژیک (به مفهومی که گرامشی^۳ می‌گفت) که بتواند با تعبیه و تحکیم یک هویت تاریخی، مشروعیت رژیم حاکم را به جامعه بقبولاند (Ayubi, 1995, 3).

مناقشات ارضی و مرزی

منطقه خلیج فارس متعلق به دو امپراطوری عثمانی و ایران است که به علت تعارض‌های دینی، زبانی و نژادی نخواستند در هم ادغام شوند. با فروپاشی و اضمحلال دو قدرت مذکور، استعمار انگلیس و فرانسه مرزهای منطقه را بدون رعایت اصول مردم‌شناختی، قبیله‌ای، مذهبی و سایر مؤلفه‌های تفکیک مرز، ترسیم نمودند. به همین دلیل این منطقه آکنده از اختلافات مرزی حل‌نشده است. اختلاف بر سر کنترل و مالکیت سرزمین از مهم‌ترین عوامل معمول مناقشات جنگ‌هاست (کمپ و هارکاو، ۱۳۸۳:۱۴۹). عبارت زیر که در مورد کیفیت تأسیس کشور عراق است از زبان تری دژاردن^۴ روزنامه‌نگار برجسته فرانسوی شاهد این ادعاست:

5. Winston Churchill (1874-1965)

6. Al Khofuse

7. Hawar

1. Bribes

2. In structural

3. Gramshy: مبتکر مفهوم جامعه مدنی

4. Terry De Jarden

اکنون، اختلافات کشورهای حوزه خلیج فارس بیشتر شده است. منازعه مرزی قدیمی بین قطر و عربستان سعودی دوباره مطرح شده است؛ حکومت های پادشاهی خلیج فارس کم و بیش از سوی همسایه قدرتمند خود و نفوذ انقلاب اسلامی ایران احساس خطر می کنند.

در حال حاضر، با حضور آمریکا در حوزه خلیج فارس، دستیابی به صلح پایدار و همکاری منطقه ای بین کشورهای حوزه خلیج فارس بعید به نظر می رسد. ایران اسلامی شیعه مذهب و جمهوری خواه، عراق شیعه مذهب تازه از یوغ صدام آزاد شده تحت اشغال آمریکا و حکومت پادشاهی وهابی اقتدارطلب و فئودال عربستان سعودی، وجه اشتراک ناچیزی با یکدیگر دارند. بنابراین، اختلافات گسترده ایدئولوژیکی و حکومتی و همچنین نابرابری منابع مشروعیت رژیم ها از انجام گفتگمانی معنی دار جلوگیری می کند. علاوه بر اختلاف در ایدئولوژی و نظام حکومتی، نگرش های واقع گرایانه و ملی گرایانه و نیز تمایل هریک از کشورهای مزبور برای نفوذ بیش تر در منطقه، بی اعتمادی حاکم را تقویت می کند.

در این میان، ایالات متحده و رژیم اشغالگر قدس نیز با فعالیت های تبلیغاتی خود به این ترس دامن زده اند تا ایران را کشوری تروریست، سلطه جو و اهریمنی جلوه دهند که قادر به همزیستی مسالمت آمیز با همسایگانیش نیست. امریکا برای حفظ حضور خود در منطقه و فروش اسلحه (ر.ک. امامی، ۱۳۸۰: ۳۰۲ و فاضلی نیا، ۱۳۸۶) نیز موارشی های نفتی حاصل از این حرکت ضد ایرانی را پشتیبانی می کند.

بنابراین، اقدامات اخیر آمریکا موجب تشدید اختلافات سنتی و ساختاری در حوزه خلیج فارس شده و مخاطرات ذیل را به وجود آورده است:

۱. استفاده گروه های تندرو از کشور عراق به عنوان پایگاه و پناهگاه؛

اختلافات مرزی در حوزه خلیج فارس را می توان در موارد زیر به طور خلاصه مورد مطالعه قرار داد:

۱- در گذشته، مفهوم مرز سیاسی برای حکام وقت حوزه خلیج فارس نا آشنا بود. آنها بر اساس پیروی از یک دین و مذهب واحد یا دریافت مالیات و زکات سرزمین تحت فرمانروایی خود را شناسایی می کردند. در واقع مرزهای دریایی در خلیج فارس با تولد کشورهای عربی کرانه های جنوبی معنا یافت (نامی، ۱۳۷۶: ۲۷). در گذشته، در حوزه خلیج فارس، هر حاکمی بر حسب میزان قدرت و نفوذی که بر قبایل آن سرزمین داشت، حکومت می کرد. در واقع، وفاداری به حاکم بود نه به شیخ نشین یا امارت. از طرف دیگر، نقل و انتقال دایمی قبایل و عدم استقرار آنها در یک محدوده سرزمینی ترسیم و تعیین مرزها را دشوار می ساخت.

۲- اکتشاف نفت در حوزه خلیج فارس ترسیم مرز را ضروری ساخت؛ برای اینکه شرکت های نفتی بیگانه بدانند با کدام یک از شیوخ باید قرارداد حفر و کاوش نفتی منعقد

کنند. البته با توجه به نقل و انتقال دایمی قبایل گریزی از ترسیم مرزهای تحمیلی نبود.

۳- پس از اکتشاف نفت، هر حاکمی در حوزه خلیج فارس ادعای خود را مبنی بر تصرف زمین های بیش تر آغاز کرد تا بتواند قراردادهای بیش تری در زمینه کسب امتیازات نفت و استخراج آن به دست آورد.

۴- وجود میادین نفتی در جزایر مختلف خلیج فارس و عدم مهارت در ترسیم مرزهای دریایی، اختلافات مرزی را در حوزه خلیج فارس گسترش داد.

تلفیق دو عامل سنتی و ساختاری

از زمان کوروش کبیر، بنیانگذار اولین امپراطوری جهانی ایران در ۲۶ قرن پیش، خلیج فارس عرصه منازعات متعددی بوده است. با ورود استعمار اروپایی به خلیج فارس در قرن شانزدهم، نمایش قدرت گسترش یافت و در پی آن آرامش و نظم از بین رفت. در اوایل قرن بیستم، کشف ذخایر عظیم نفتی در خلیج فارس موجب بی ثباتی این منطقه شد و دو جنگ اخیر خلیج فارس نیز نشان دهنده آشفتگی جدیدی است که متأثر از مسأله نفت است (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۱۳).

۱. monarchy: منظور کشورهایی است که تحت حاکمیت یک نفر اعم از پادشاه یا ملکه اداره می شوند.

از منطقه خلیج فارس است، اما تنها به خاطر بخش بروننگان بسیار کوچک واقع در سواحل جنوبی تنگه هرمز جزو کشورهای منطقه‌ی مذکور، محسوب می‌شود (بوید، ۱۳۸۰، ۲۰۹). اکنون اصطلاح ایران نیز که به جای اصطلاح قدیمی پرشیا (فارس) به کار می‌رود، تمامی سواحل شمالی دریای - خلیج فارس و عمان را دربر می‌گیرد. عراق در این حوزه کم‌ترین ساحل را داراست و چالش‌های صدام‌حسین در تجاوز به سرزمین‌های ایران و کویت جهت رهایی از این شرایط نامساعد جغرافیای سیاسی دریایی بوده است. علاوه بر این، چهار کشور کوچک کویت، قطر، بحرین و امارات متحده عربی کشورهای منطقه خلیج فارس نامیده می‌شوند. این چهار کشور در گذشته تحت‌الحمایه بریتانیا بودند.

بنابراین، اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای حوزه خلیج فارس پدیده جدیدی نیست و ریشه آن به چند دهه گذشته (پس از خروج از تحت‌الحمایگی کشورهای عربی) بازمی‌گردد. اغلب کشورهای این حوزه با یکدیگر مشکل مرزی دارند که بدون تردید این اختلافات مانع از گسترش همکاری میان کشورهای منطقه می‌شود (عزتی، ۱۳۸۹: ۲۹).

در میان این کشورها امارات متحده عربی، همچنان به تهدید منافع ایران می‌پردازد و بر حاکمیت سه جزیره ایرانی بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک تأکید می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۹۸). شایان توجه است که همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس^۲ از امیال سران امارات متحده عربی حمایت نمی‌کنند. کشورهایی چون عمان و قطر پیوسته در این راستا رعایت اعتدال را کرده‌اند و روابطی دوستانه با ایران داشته و دارند. دیگر کشورهای عضو این شورا، یعنی عربستان سعودی، بحرین و کویت نیز هرگز اعتدال را به طور کلی از دست نداده‌اند و بیشتر می‌کوشند ایران را دعوت به مذاکره با دولت امارات در این زمینه کنند (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۲۷۶). عراق نیز شورا را نوعی تلاش کشورهای خلیج فارس برای کنار گذاشتن نظام امنیتی مورد علاقه بغداد متشکل از کشورهای عرب خلیج فارس تلقی کرد (فولر، ۱۳۷۳:

۲. گسترش جنایت و افزایش فعالیت‌های جنایی در کشورهای حوزه خلیج فارس (قاچاق، جرایم سازمان‌یافته، گسترش تجارت مواد مخدر و پول‌شویی) که امنیت منطقه را تهدید می‌کند؛

۳. تداوم حالت شک و دودلی دولت‌های خلیج فارس نسبت به عراق (به دلیل تشدید اختلافات شیعه و سنی در آن کشور)؛

۴. احتمال تقسیم عراق به سه دولت کوچک (شیعیان، سنی‌ها و کردها) یا بیش‌تر؛

۵. احتمال شعله‌ور شدن جنگ بین شیعه و سنی در منطقه خلیج فارس بعد از حوادث عراق؛

۶. اختلاف نظر ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس در مورد چگونگی تعامل با آمریکا و حضور نظامی آن در منطقه به خصوص در برهه کنونی؛

۷. احیای طمع‌ورزی‌های قدیمی رژیم اشغالگر قدس در سیطره اقتصادی بر نفت خلیج فارس - که تلاش بی‌وقفه این رژیم برای حضور در مناطق کردنشین شمال عراق و پیشنهاد خط نفتی کرکوک - حیفا دال بر این مطلب است.

۸. احتمال رشد خطر بنیادگرایی و انشعاب تروریسم در منطقه در پرتو وخامت اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در پی وقوع جنگ‌های متوالی در منطقه.

یافته‌های تحقیق

سراسر خلیج فارس یک فلات قاره^۱ گسترده و یکپارچه شمرده می‌شود و شکل جغرافیایی این دریا که به گونه یک مستطیل خمیده است، سرزمین‌های ایرانی در کرانه‌های شمالی را در برابر سرزمین‌های عربی در کرانه‌های جنوبی آن قرار می‌دهد. آشکار است که این وضع ویژه جغرافیایی از نظر تقسیم دریا و تعیین مرزهای دریایی، شرایط ویژه‌ای پدید می‌آورد (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۴۶).

با وجود اینکه سواحل عربستان سعودی در دریای سرخ طویل‌تر از سواحل آن کشور در خلیج فارس است، این کشور جزء کشورهای خلیج فارس محسوب می‌شود. عمان نیز خارج

جدول ۱، منازعات میان کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس را نشان می دهد.

این مسائل ارضی و مرزی در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس، شرایط پرمخاطره ای را به وجود آورده که به عنوان عوامل مهم تنش زا، از توسعه روابط دوستانه بین کشورهای این حوزه جلوگیری می کند. در این میان، گرچه به نظر سرپرسی سایکس^۲ ایرانیان به واسطه سدهای سلسله جبال از دریا محروم شده اند و همیشه از خود نوعی عدم تمایل نسبت به دریا نشان می دهند؛ اما در مقاطع مختلف تاریخ می بینیم که ایرانیان میل به

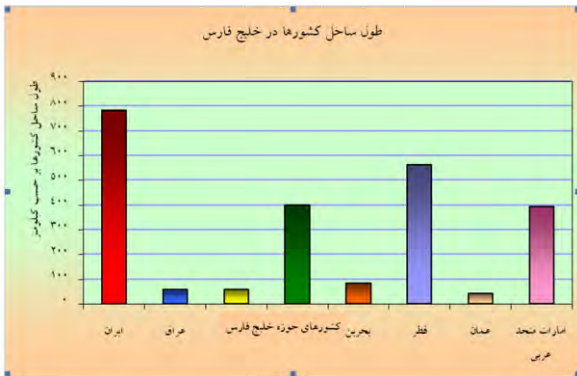
(۱۰۳) و اکنون هم با روی کار آمدن دولت شیعه در عراق، این کشور با ایران همسو شده است.

البته منازعات ژئوپلیتیکی خلیج فارس تنها در اختلافات مرزی ایران و امارات و ایران و کشورهای عرب این حوزه خلاصه نمی شود. خانم لنور مارتین در بخش سوم کتاب "خلیج بی ثبات"^۱ تعداد این اختلافات را ۲۳ مورد ذکر می کند (Martin, 1989: Ch 3) و دکتر مجتهدزاده در کتاب "امنیت و اختلافات ارضی در خلیج فارس جغرافیای سیاسی دریایی" در میان هشت کشور ساحلی خلیج فارس به بیش از پنجاه مورد اختلافات ارضی و مرزی اشاره می کند (Mojtahedzadeh, 1999: 46).

جدول ۱. منازعات میان کشورهای حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس

نام کشورها	موضوع اختلاف دریایی	دلایل اختلاف
امارات متحده عربی - عمان	مرزهای دریایی - خلیج فارس، دریای عمان و شبه جزیره مستدم	کشف نفت در خارج از ساحل و تجدید مناقشه قدیمی بین آنها در مورد محل مرز زمینی
ایران - عراق	مرز دریایی	توسعه طلبی عراق جهت کنترل کامل اروندر و تصرف خوزستان جهت حل مشکلات ژئوپلیتیکی خویش برای دسترسی بهتر به آبهای آزاد و افزایش حاکمیت عراق در فلات قاره
ایران - کویت	مرز دریایی	ادعاهای اراضی عراق نسبت به کویت و به خصوص جزایر ورهبه و بوبیان و همچنین اختلاف کویت و عربستان بر سر جزایر قارو و ام المرادم که عدم تحدید حدود در این نقطه سبب عدم تحدید حدود دو کشور با ایران شده است
امارات متحده عربی - قطر	جزیره حالب و جزایر دیگر در خورالعدید	کشف منابع نفت
عراق - کویت	جزایر ورهبه و بوبیان	توسعه طلبی عراق جهت الحاق کویت یا حداقل جزایر ورهبه و بوبیان در جهت رفع مشکلات ژئوپلیتیکی و جغرافیایی برای دسترسی به آبهای آزاد و افزایش حاکمیت عراق در فلات قاره.
ایران - امارات متحده عربی	مرز دریایی (جزر مرز دریایی ایران-دبی)	جزایر سه گانه و دلایل سیاسی
امارات متحده عربی - عربستان	مرزهای دریایی	اعتراض قطر نسبت به قرارداد مرزی ۱۹۷۴ و واگذاری خورالعدید
بحرین - قطر	مجمع الجزایر حواری و مرزهای دریایی	ادعاهای ارضی قطر بر جزایر
عربستان - قطر	مرز دریایی در خلیج سلوا و خورالعدید	ادعاهای ارضی عربستان سعودی به نواحی ساحلی جنوب شرقی و غربی قطر
عربستان کویت	مرز دریایی، جزایر ام المرادم و قارو	ادعای کویت بر سر مالکیت جزایر قارو و ام المرادم به عنوان بخشی از منطقه بی طرف و اختلاف نظر دو کشور در تعیین خط مبدا از خطوط مستقیم که دورترین نقاط این جزایر از ساحل را به هم مربوط می کند
امارات هفتگانه - امارات متحده عربی	مرزهای دریایی (بجز ابوظبی - دبی)	عدم تحدید حدود به واسطه وجود اختلاف مرزی در خشکی و ذخایر نفت

منبع: زین العابدین، ۱۳۸۳: ۱۱۷



نمودار ۱. طول ساحل کشورهای حوزه خلیج فارس

استخراج: الهی، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۱۷۹.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به آنچه گفته شد، نتیجه می‌گیریم که گرچه هشت کشور حوزه خلیج فارس در یک حوزه ژئوپلیتیکی واقع شده‌اند و دارای اشتراکات زیادی هستند؛ اما، عوامل متعددی از جمله اختلافات مرزی و ارضی و اختلافات قومی و فرهنگی و ... و از طرف دیگر دخالت قدرتهای فرامنطقه‌ای به‌خصوص در ترسیم مرز دریایی میان آنها - که به هیچ معیار فرهنگی و طبیعی توجه نکرده است - این منطقه را دچار بحران می‌کند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران، با قدمت حاکمیت در این حوزه علی‌رغم برتری و توانمندی اقتصادی، سیاسی و نظامی در برقراری روابط و همکاری با کشورهای این حوزه ژئوپلیتیکی با چالش‌ها و تهدیدهای جدیدی مواجه است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای (امریکا و فلسطین اشغالی) و به‌خصوص تشدید اختلافات شیعه و سنی در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس الگوی اعتمادسازی در این منطقه را با موانعی مواجه ساخته است. لذا، این اختلافات با حضور ایالات متحده آمریکا در حوزه خلیج فارس و طرح استراتژی‌های مختلف از جمله مبارزه با تروریسم، گسترش دموکراسی و خاورمیانه بزرگ تشدید شده و کشورهای این حوزه را از توسعه و پیشرفت جهانی بازداشته است.

ادعای حاکمیت بر دریاهای مجاور خود را دارند. به‌خصوص، با توسل به حقوق بین‌الملل دریاها و کنفرانس منطقه‌ای در این مورد، جهت حل و فصل اختلافات موجود و دست‌یابی به یک نظم نسبی، موضع خود را دنبال می‌کنند (فولر، ۱۳۷۳: ۶۷).

مرزهای دریایی ایران در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس در دو دریای خلیج فارس و عمان است. در خلیج فارس از دهانه فاو تا بندرعباس ۱۲۵۹ کیلومتر (به خط مستقیم) امتداد دارد. مرز سیاسی در این حوزه از ساحل، ۱۲ مایل دریایی است. جزایر نیز هر یک ۶ مایل مرز دریایی دارند، به جز جزیره فارسی که مرز آن روی خط منصف بین ایران و عربستان قرار دارد و در کنار آن جزیره عربی، مربوط به عربستان واقع شده است. براساس توافق ایران و عربستان، مرز مشترک، حد فاصل بین این دو جزایر است (صفوی، ۱۳۷۸، ۷۶). در دریای عمان نیز از بندرعباس تا دهانه خلیج گواتر ۷۸۴ کیلومتر مرز به صورت خط مستقیم است.

مرز سیاسی آن ۱۲ مایل و مرز اقتصادی با کشور عمان ۵۰ مایل است و بقیه دریا بین‌المللی است.^۱

ایران در حوزه ژئوپلیتیکی خلیج فارس با کشورهای عمان، قطر، بحرین و عربستان درباره مرزهایش به توافق رسمی دست یافته است. ایران و دبی حدود مرز دریایی خود را مشخص کرده‌اند، اما ایران و امارات متحده عربی به دلیل ادعای ارضی این دولت بر جزایر سه‌گانه هنوز فاقد مرز رسمی دریایی هستند. همچنین مرزهای دریایی ایران - عراق و ایران - کویت تاکنون تحدید نشده و به عنوان منبع تنش و تهدید باقی‌مانده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۷۹) و چون مرز دریایی ایران - عراق از یک سو، و مرز دریایی عراق - کویت از سوی دیگر افزاز نشده است، محل دقیق نقطه مشترک سه‌جانبه مشخص نیست (نامی، ۱۳۸۶: ۷۱).

نمودار ۱، طول ساحل کشورهای حوزه خلیج فارس را بر حسب مایل دریایی نشان می‌دهد.

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر از ادعای کشورهای جهان بر مناطق مختلف دریاها رک: پیشگاهی فرد و زین‌العابدین (۱۳۸۵)، "منافع دولت‌ها در مناطق مختلف دریاها".

References

1. Amir Ahmadi, H. (2002), "Small Islands, Big Politics, Amen Publication.
2. Armed Forces Geographical Organisation (2008) "Geopolitics of the Persian Gulf with emphasis on Shiah, Armed Forces Geographical Organisation publication.
3. Ayubi. Nazih (1995), "Over-Stating the Arab State", Politics and Society in the Middle East, London.
4. Azarshab, MA(1997), "Status of the Arabs and the Persians in the circle of Islam", Journal of the Middle East study, year 4, No.4.
5. Boyd, Andrew(2001), "Atlas of International Relations", translation: H. Hmydynia, Ministry of Foreign Affairs publication.
6. Camp, Jeffrey and Robert Harkavy(2004), "Strategic Geography of the Middle East", translated by Mehdi Hosaini Matin, Vo, 1. Center for Strategic Studies Publication.
7. Crystal, Jill (1996), "Civil Society in the Persian Gulf", Civil Society in the Middle East, Vol 2, New York.
8. Desjardins, TG.(1976), "A hundred million Arabs", translation: M.Hossain, Ghomes Publication.
9. Ebrahimifar, T. (2002), "Patterns of Trust in the Persian Gulf region, political and international Studies.
10. Elahi, H.(2005), "Persian Gulf and its problems, Gomes Publication.
11. Emami, M.(2001), "Factors Influencing the inner Persian Gulf," political and international Studies.
12. Ezzati, E.(2010), "Iran's strategic Geography", Vol.2, Armed Forces Geographical Organisation.
13. Fazelynia, N.(2007), "Shiah geopolitical and West concerns of Islamic revolution", Shiah shenasi Publication.
14. Fuller, Graham(1994), "Center of Universe, Iranian geopolitics", translation: Abas, Mokhber, Markaze Nasher publication.
15. Huvida, F.(2001) "The look of the Arabs to Iran", Translator: M.Shariat Bagheri, Danje Publication.
16. Karimipoor, Y...(2000), "An Introduction to Iran and its neighbors source of stress and threat", Jihad Publications of Tarbiat Moalem University.
17. Martin, Lenore(1989), "The Unstable Gulf", Massachussettes: Lexington Book
18. Masjed jamy, Z.(2001), "A look at the history of the Wahhabi", Sir Danesh publication.
19. Mojtahedit, Said Abbas(2004), "Defense of the name of the Persian Gulf", Rasa Institute of expressive culture.
20. Mojtahedzade, Piroz (2000), "The idea of the realities of geopolitics and Iran, "the Nai publication.
21. Mojtahedzade, Piroz (2003), "Iran's sea borders in the Persian Gulf," Political-Economic Information No.11 & 12.
22. Mojtahedzade, Piroz (2004), "Tunb and Abu Musaislands Malek", translation: Hmidreza Mohamadi Nori, Foreign Affairs publication.
23. MojtahedZadea, Pirouz(1999), "Security and Territoriality in the Persian Gulf, A Maritime Political Geography", London, Curzon Press.
24. Morad, N(1997), "The Regional Organizations and Borders Problems", Proceedings of the Eighth International

- Pershai Gulf Conference, Politic and international Studies.
25. Motagizade, Z. (2005), *Geography of Shieayans of Pershai Gulf Region* Institute of Shia senasi Publication.
26. Nami, M.H. (2007), *Iran and Kuwait's Maritim boundary issues*, Armed Forces Geographical Organisation.
27. Pishgahifar, Z, and Zynalabdyn, Y (2005), "governmental interests in different areas of the seas", *journal of Science and Environmental Studies*, No.27, The center of Scientifice publication of Eslamic Azad University, Tehran.
28. RahimSafavi, S.H. (1999), "An Introduction to military geography of Iran," the first Volume, Armed Forces Geographical Organisation.
29. Roshandel, J. and Seifzadeh. H, (2003), "structural conflicts in Pershai Gulf Region", *The center of Strategic studies of Middle East*.
30. Safavipor, Sayed Mohammad Reza (2007), "Methods and manners of actors in Pershan Golf", *Sye Roshan Publication*.
31. Sotode, H. & Didgah, F. (2009), "the study of Scientists approach to the Name of Pershai Gulf", *Notice of, year 7, fall, Cultural Reaserch Publication*.
32. Waezi, Mahmoud (2009), "Iran and the Arabs", 21 studies of the center of strategic studies.
33. Zainlabedin, Y (2004), *Political Geography and seas Management with emphasais on maritime border*, Ph.D. thesis, Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran.
34. Zam, MA (2005), "The World's Shiah s Republic:", *Jomhor Publication*.